

بررسی تأثیر هزینه های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

■ امیرحسین جمالی*

■ محمود کرمی**

چکیده:

بر اساس تئوری نمایندگی، تضاد منافع میان مالکان و مدیران، باعث ایجاد هزینه های نمایندگی میشود. با افزایش هزینه های نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به استفاده از خدمات حسابرسی مستقل افزایش مییابد. از اینرو، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هزینه های نمایندگی بر حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میپردازد. در این پژوهش، هزینه های نمایندگی از طریق تمرکز مالکیت سهامداران، و حسابرسی از طریق دو عامل حق الزحمه حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، اندازه گیری شده است. داده های مورد نیاز، از ۸۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹، با استفاده از سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری گردیده است. روش پژوهش، توصیفی-همبستگی است و برای آزمون فرضیه ها، از مدلهای رگرسیون خطی چندمتغیره و رگرسیون لجستیک و نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان میدهد که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، هزینه های نمایندگی کاهش یافته و با کاهش هزینه های نمایندگی، حق الزحمه حسابرسی و احتمال انتخاب موسسه حسابرسی بزرگ نیز کاهش می یابد.

واژه های کلیدی: هزینه های نمایندگی، تمرکز مالکیت سهامداران، حق الزحمه حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی

* استادیار، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، ایران

** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

با جدا شدن مالکیت از مدیریت در شرکتها، این امکان بالقوه وجود دارد که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در جهت منافع آنان و در جهت عکس منافع مالکان باشد. این امکان وجود دارد، که بین مدیران و مالکان، عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد و سهامداران نتوانند اعمال و فعالیت های مدیران را به طور مستمر مشاهده نمایند. در یک رابطه نمایندگی، یک یا چند نفر (مالک یا مالکین) شخص دیگری (نماینده یا مدیر) را مأمور به اجرای عملیاتی میکنند. در این راستا، اختیار اتخاذ برخی تصمیمات را نیز به وی تفویض می نماید. با برقراری رابطه نمایندگی، هر یک از طرفین رابطه، به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی خویش می باشند. از آنجا که تابع مطلوبیت مدیران با مالکان یکسان نیست، بین آنها تضاد منافع وجود دارد. با شکل گیری رابطه نمایندگی و به واسطه وجود تضاد منافع بین طرفین، هزینه های نمایندگی^۱ ایجاد میگردد (ولپور و خرم، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، وقتی تضاد منافع بین سهامداران و مدیران به وجود می آید، سهامداران باید مخارجی را متحمل شوند تا منافع مدیران را با خود همسو کنند. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه شکل گیری رابطه نمایندگی به وجود می آید، هزینه های نمایندگی نامیده میشود (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶: ۳۱۱). طی چهار قرن اخیر، تلاشهای بسیاری جهت یافتن راه حلی مناسب برای همسو کردن منافع و انگیزه های مالک و نماینده صورت گرفته است. کانون تلاشهای انجام شده در این زمینه، حسابداری است (حساس یگانه و مرفوع، ۱۳۸۷). حسابرِس مستقل به عنوان یک وسیله اجتماعی مهم در محدود کردن قدرت مدیران در روابط قراردادی عمل می کند. همچنین، می توان آن را به عنوان یک ابزار انضباطی مورد اعتماد برای کاهش اختیارات مدیریت نیز در نظر گرفت (خدادادی و حاجیزاده، ۱۳۹۰). حسابداری، ارزیابی مستقلی را در مورد صحت، منصفانه بودن اطلاعات مالی و انطباق نتایج عملیات، وضعیت مالی و جریانهای نقدی با استانداردهای پذیرفته شده حسابداری ارایه میکند؛ بنابراین موجب بهبود دقت اطلاعات مالی شده و عدم تقارن اطلاعاتی^۲ و هزینه ی نمایندگی ناشی از تضاد منافع^۳ بین مدیران شرکت، سهامداران و اعتباردهندگان را کاهش میدهد (علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۱). در این تحقیق، هزینه های نمایندگی را از طریق تمرکز مالکیت سهامداران و حسابداری را از طریق دو فاکتور حق الزحمه حسابداری^۴ و اندازه موسسه حسابداری^۵ اندازه گیری کرده و از این طریق، تأثیر هزینه های نمایندگی بر حسابداری را مورد بررسی قرار میدهم.

مبانی نظری پژوهش هزینه های نمایندگی

جدا سازی مالکیت از مدیریت به ایجاد تضاد منافع بین مالک و مدیر منتهی میشود. مدیران همیشه در جهت منافع مالکان فعالیت نمی کنند و ممکن است از دارایی های شرکت استفاده نامعقول نمایند. وجود تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می تواند به مشکلات نمایندگی منتهی

شود که بر اساس نظریه نمایندگی، دارای هزینه است. هزینه های نمایندگی در نتیجه جداسازی مالکیت از مدیریت افزایش می یابد. در این شرایط وجود یک مکانیزم کنترلی که به صورت نسبی تضمین کننده شفافیت اطلاعات گزارش شده در صورتهای مالی باشد، ضرورت می یابد. این مکانیزم در قالب حسابرسی و توسط حسابرسان مستقل ارایه میگردد (کوکی و گوئیزی، ۲۰۰۹). حسابرسی مستقل یکی از انواع کنترلهایی است که می تواند اطمینان معقولی را به مجموعه وسیعی از سهامداران ارایه دهد. براساس ادبیات تئوری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش مییابد (فان و وانگ، ۲۰۰۵).

تمرکز مالکیت سهامداران

نظارت سهامداران یک مکانیزم مهم است که می تواند هزینه های نمایندگی را کاهش دهد. درحالی که همه سهامداران مسئولیت نظارت بر فعالیتهای مدیریتی دارند، انجام این کار توسط هر سهامدار، متناسب با درصد مالکیت وی میباشد. هرچه درصد مالکیت سهامداران افزایش یابد، آنها تمایل بیشتری به متحمل شدن هزینه های نظارت دارند (هوپ و همکاران، ۲۰۱۲). مالکیت متمرکز^۷ به صورت قابل توجهی در سهامداران عمده ایجاد انگیزه میکند و به موازات افزایش سهم آنها در شرکت، انگیزه های آنها نیز برای بهبود عملیات شرکت و کنترل مدیریت، بیشتر میشود. در مقابل، مالکیت پراکنده^۸ به این خاطر موجب بروز مسأله نمایندگی در شرکتها میشود که توانایی و انگیزه های سهامداران برای کنترل کردن مدیریت ضعیف خواهد شد، چرا که سهم آنها اندک است (فضلزاده و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، تمرکز مالکیت باعث بهبود نظارت بر عملکرد مدیریت و کاهش هزینه های نمایندگی ناشی از ریسک عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان میشود (آشباق و وارفیلد، ۲۰۰۳).

حق الزحمه حسابرسی

جهت استفاده از خدمات حسابرسی باید مبلغی به عنوان حق الزحمه خدمات حسابرسی پرداخت شود. این مبلغ توسط حسابرس و با توجه به ارزیابی وی از ریسک، حجم و پیچیدگی کار حسابرسی تعیین میگردد. بر این اساس، هزینه های نمایندگی به لحاظ نظری میتواند از طریق افزایش ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات واحدهای مورد رسیدگی، بر قیمتگذاری خدمات حسابرسی اثری فزاینده داشته باشد (رجبی و محمدی خشوئی، ۱۳۸۷). ویسننت و همکاران وی (۲۰۰۳) بیان میکنند که میزان تلاش حسابرس، با استفاده از حق الزحمه حسابرسی اندازهگیری میشود و هرچه مسأله نمایندگی بزرگتر باشد، فعالیت بیشتری برای اطمینان در خصوص عدم وجود تقلب و یا اشتباه با اهمیت در صورتهای مالی لازم است؛ در نتیجه، حق الزحمه حسابرسی بیشتر خواهد بود. بنابراین، هرچه هزینه های نمایندگی بیشتر باشد، ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات صاحبکار و نیاز به نیروی ماهرتر و باتجربتر برای انجام حسابرسی نیز افزایش می یابد. در نتیجه، شرکتهای حسابرسی حق

الزحمة بیشتری درخواست میکنند.

سازمان حساسیتی در ایران، به عنوان یک موسسه حساسیتی دولتی، به ارائه خدمات حرفه ای حساسیتی می پردازد و به نسبت سایر موسسه های حساسیتی، از حجم صاحبکاران بالاتری برخوردار است. به علاوه، به واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری، این سازمان در پذیرش کار و تعیین حق الزحمة خدمات حرف های، از حاشیه امنیتی برخوردار است که توانسته در عرصه رقابت با سایر موسسه های غیردولتی، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص دهد. بنابراین انتظار می رود این سازمان، همانند چهار موسسه بزرگ حساسیتی دنیا، در بازار خدمات حساسیتی در ایران، به نسبت رقبا، حق الزحمة بیشتری دریافت نماید (رجبی و محمدی خوشویی، ۱۳۸۷).

اندازه موسسه حساسیتی

اکثر پژوهش های انجام شده در زمینه کیفیت حساسیتی نشان میدهد که کیفیت حساسیتی با اندازه موسسه حساسیتی رابطه معناداری دارد، بدین معنا که موسسه های بزرگتر، از کیفیت حساسیتی بالاتری برخوردارند و در کشف تحریفات با اهمیت، تواناترند (هوپ و همکاران، ۲۰۱۲). دیآنجلو (۱۹۸۱) نیز معتقد است که موسسه های حساسیتی بزرگتر، خدمات حساسیتی را با کیفیت بالاتری ارائه می کنند، زیرا علاقه مندند شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و از آنجا که تعداد صاحبکارانشان زیاد است، نگران از دست دادن آنها نیستند و از طرفی وابستگی کمتری به آنها دارند. به عقیده آشباق و وارفیلد (۲۰۰۳)، با افزایش تمرکز مالکیت، میزان کنترل و نظارت سهامداران بر شرکت و عملکرد مدیر افزایش یافته که این امر منجر به کاهش هزینه های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین آنها میشود. با کاهش هزینه های نمایندگی، ریسک، حجم و پیچیدگی کار حساسیتی و نیاز به نیروی انسانی ماهرتر و با تجربه تر کاهش می یابد. در نتیجه، با توجه به اصل هزینه - منفعت، تمایل سهامداران به استفاده از خدمات موسسه های حساسیتی بزرگ نیز کاهش می یابد. بنابراین، هرچه تمرکز مالکیت سهامداران افزایش یابد، هزینه های نمایندگی کاهش یافته و به دنبال آن، تقاضا برای موسسه حساسیتی بزرگ نیز کاهش می یابد.

پیشینه پژوهش

فان و وانگ (۲۰۰۵)، با استفاده از اطلاعات شرکتهای ۸ کشور آسیای شرقی با نمونه های شامل ۳۶۷۲ مشاهدۀ سال شرکت برای دورهی زمانی ۱۹۹۶-۱۹۹۴ دریافتند زمانی که ساختار مالکیت شرکتهای متضمن هزینه های نمایندگی است، تمایل به خدمت گرفتن حسابرسان جزء پنج موسسه حساسیتی بزرگ بیشتر است. به علاوه، در شرکتهای آسیای شرقی که هزینه های نمایندگی وجود دارد، حق الزحمة حساسیتی موسسه های جزء پنج موسسه حساسیتی بزرگ بیشتر است. هی و همکاران (۲۰۰۸)، در تحقیقی با نام شواهدی در مورد تأثیر کنترل داخلی و حاکمیت شرکتهای بر حق الزحمة حساسیتی، با استفاده از اطلاعات ۱۳۰ شرکت نیوزیلندی طی سالهای ۱۹۹۵

تا ۲۰۰۵ بررسی کردند که آیا بین سهامداران دارای کنترل سهام ۲۰ درصد یا بیشتر (تمرکز مالکیت)، با حق الزحمه حسابداری رابطه ی مثبت وجود دارد، که ارتباط معناداری مشاهده نکردند.

لین و همکاران (۲۰۰۹)، به بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابداری بزرگ پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نمونه های شامل ۱۸۴ شرکت طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ بیانگر این بود که اعمال کنترل توسط سهامداران عمده، باعث کاهش احتمال انتخاب حسابرس بزرگ چینی میشود.

نیسکانن و همکاران (۲۰۰۹)، با استفاده از اطلاعات نمونه های شامل ۴۷۸ شرکت فنلاندی طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶، به بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و تقاضا برای کیفیت حسابداری پرداختند. نتیجه ی پژوهش آنها درباره تأثیر تمرکز مالکیت بر اندازه موسسه حسابداری حاکی از آن است که افزایش مالکیت دولتی، باعث کاهش احتمال انتخاب حسابرس بزرگ میشود.

رحمانخان و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیقی تمرکز مالکیت شرکت را روی حق الزحمه حسابداری در اقتصادهای نوظهور بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان میدهد که تمرکز مالکیت با حق الزحمه حسابداری شرکت، رابطه منفی و معنی داری دارد.

هوپ و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقی با نام تعارضات نمایندگی و حسابداری در شرکتهای خصوصی، تأثیر ساختار مالکیت و روابط خانوادگی را بر حسابداری در بازار نروژ طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مربوط به تأثیر تمرکز مالکیت سهامداران بر حسابداری حاکی از آن است که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، حق الزحمه حسابداری و تقاضا برای موسسه ی حسابداری ۴ بزرگ کاهش می یابد.

رجبی و محمدی خشوئی (۱۳۸۷)، با استفاده از اطلاعات ۸۱ شرکت در سال ۱۳۸۴، تأثیر هزینه های نمایندگی را بر حق الزحمه حسابداری مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق نشان داد که هرچه درصد سهام اولین سهامدار عمده بیشتر باشد، چون رابطه نمایندگی متمرکزتر میشود، هزینه نمایندگی کاهش یافته و به تبع آن، حق الزحمه حسابداری نیز کاهش مییابد. علویطبری و همکاران (۱۳۹۰)، با استفاده از نمونه های شامل ۲۰۱ شرکت در سال ۱۳۸۷، با در نظر گرفتن ده عامل شناخته شده نظام راهبری شرکتهای، از جمله درصد مالکیت سهامداران عمده، رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابداری مستقل شرکتهای را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که درصد مالکیت سهامداران عمده، تأثیر معناداری بر حق الزحمه حسابداری ندارد. مهدوی و همکاران (۱۳۹۰)، با استفاده از نمونه های شامل ۷۱۱ مشاهده ی سال شرکت طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر انتخاب مؤسسات حسابداری به وسیله شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش آنها بیانگر این است که بین تمرکز مالکیت با اندازه حسابر، رابطه معنیدار و مثبت وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

به منظور بررسی تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته، دو فرضیه به شرح زیر طراحی و مورد آزمون قرار می‌گیرد:

- فرضیه اول: تمرکز مالکیت سهامداران، تأثیر منفی و معنادار بر حق الزحمه حساسیتی دارد.
فرضیه دوم: تمرکز مالکیت سهامداران، تأثیر منفی و معنادار بر اندازه موسسه حساسیتی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی است و با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در این تحقیق، اطلاعات واقعی و تاریخی است، این تحقیق را می‌توان از نوع نیمه تجربی با استفاده از رویکرد پسرودادی طبقه‌بندی کرد. به‌طور جزئیتر، این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی می‌باشد. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. مبنای نظری پژوهش، از کتابها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی، گردآوری شده و داده‌های پژوهش نیز، از طریق شبکه جهانی اینترنت، با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی و یادداشتهای توضیحی منتشر شده توسط بورس اوراق بهادار تهران نظیر: صورتهای مالی حساسیتی شده و گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی عادی شرکتها، جمع‌آوری گردیده است. برای آزمون فرضیه اول از رگرسیون خطی چندمتغیره و با توجه به اینکه متغیر وابسته دوم، اندازه موسسه حساسیتی است و یک متغیر دوحالتی است، از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. همچنین، جهت آزمون فرضیه‌ها، ابتدا داده‌های اولیه در قالب نرم افزار صفحه گسترده طراحی و تکمیل گردیده و سپس به منظور تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات حاصله، از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

برای بررسی ارتباط بین تمرکز مالکیت و حق الزحمه حساسیتی از مدل زیر استفاده میشود:

$$\text{LNFEET}_t = a_0 + a_1 \text{OWNER_CONC}_t + a_2 \text{LNSALES}_t + a_3 \text{LEV}_t + a_4 \text{INVREC}_t + a_5 \text{GROWTH}_t + a_6 \text{ROA}_t + a_7 \text{INCPICT}_t + a_8 \text{LOSS}_t + a_9 \text{CURRATIO}_t + a_{10} \text{SIZE}_t + \epsilon_t \quad \text{رابطه (۱)}$$

متغیرهای مدل فوق در جدول ۱ تعریف شده است.

جدول ۱. متغیرهای مدل اول

نام متغیر	نماد متغیر
لگاریتم طبیعی از کل هزینه‌های پرداخت شده به حسابرس در سال t	LNFEET _t
تمرکز مالکیت سهامداران در سال t	OWNER_CONC _t

LNSALES _t	لگاریتم طبیعی از فروش در سال t
LEV _t	اهرم مالی در پایان سال t
INVREC _t	نسبت موجودی کالا و حسابهای دریافتنی به کل دارایی در پایان سال t
GROWTH _t	رشد فروش در سال t نسبت به سال t-1
ROA _t	بازده دارایی در سال t
INCPIC _t	افزایش در سرمایه در سال t نسبت به سال t-1
LOSS _t	زیان در سال t
CURRATIO _t	نسبت جاری در پایان سال t
SIZE _t	اندازه موسسه حسابرسی در سال t
t	خطا

همچنین، برای بررسی ارتباط بین تمرکز مالکیت و اندازه موسسه حسابرسی، از مدل زیر استفاده میشود:

$$SIZE_t = b_0 + b_1 OWNER_CONC_t + b_2 LEV_t + b_3 LOSS_t + b_4 INCPIC_t + b_5 ROA_t + t \quad \text{رابطه (۲)}$$

متغیرهای مدل فوق، مانند آنچه در مدل قبل تعریف شده میباشد.

جامعه و نمونه آماری

دوره زمانی تحقیق، ۶ سال از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۹، و جامعه آماری آن، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. روش نمونه گیری در این تحقیق، روش حذفی است و برای تعیین نمونه مورد مطالعه با استفاده از روش فوق، شرکتهایی از جامعه آماری انتخاب شده که ویژگیهای زیر را دارا باشند:

۱. داده های مورد نظر شرکت در دسترس باشد.
 ۲. جزء شرکتهای سرمایه گذاری، شرکتهای خدماتی مثل: شرکتهای مخابرات و بیمه و نهادهای پولی و بانکی نباشد.
 ۳. پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند باشد و در دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۴. از سال ابتدای سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۹ در بورس حضور داشته و طی دوره مذکور، توقف فعالیت نداشته باشد.
- با در نظر گرفتن ویژگیهای فوق، ۸۵ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل این تحقیق، تمرکز مالکیت سهامداران است که برابر است با مجموع درصد مالکیت سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند و از طریق شاخص هرفیندال - هیرشمن اندازه گیری می شود. متغیر وابسته اول، حق الزحمه حساسیتی است که مبلغ پرداخت شده در سال، طبق قرارداد، به سازمان یا موسسه حساسیتی برای خدمات حساسیتی می باشد. متغیر وابسته دوم، اندازه موسسه حساسیتی است که یک متغیر دو وجهی است و در صورتی که کار حساسیتی توسط سازمان حساسیتی انجام شده باشد، عدد ۱ و اگر این کار توسط دیگر موسسه های حساسیتی انجام شده باشد، عدد ۰ در نظر گرفته می شود. متغیرهای کنترلی این تحقیق نیز عبارتست از:

۱. **لگاریتم طبیعی از فروش:** عبارت است از میزان فروش خالص در سال.
۲. **اهرم مالی ۸:** این نسبت از تقسیم کل بدهیها بر کل داراییها به دست می آید.
۳. **نسبت موجودی کالا و حسابهای دریافتنی به کل دارایی:** این نسبت، از تقسیم حاصل جمع موجودی کالا و حسابهای دریافتنی بر کل دارایی ها بدست می آید.
۴. **رشد فروش:** برای محاسبه رشد فروش، فروش خالص سال قبل، از فروش خالص سال جاری کسر و بر فروش خالص سال قبل تقسیم می شود.
۵. **بازده دارایی ها:** این نسبت از تقسیم سود خالص شرکت بر مجموع دارایی های آن بدست می آید.
۶. **افزایش در سرمایه:** این متغیر، یک متغیر دو وجهی است و در صورتی که شرکت در سال جاری نسبت به سال قبل، افزایش سرمایه داشته باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ در نظر گرفته می شود.
۷. **زیان:** این متغیر، یک متغیر دو وجهی است و در صورتی که شرکت در پایان سال مالی، زیان گزارش کرده باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد ۰ در نظر گرفته می شود.
۸. **نسبت جاری ۱۰:** این نسبت از تقسیم دارایی های جاری بر بدهیهای جاری بدست می آید.

یافته های پژوهش

در جدول ۲، مهمترین آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه شامل: میانه، میانگین، انحراف استاندارد، حداقل و حداکثر هر متغیر تشریح می گردد.

جدول ۲. آمار توصیفی

متغیرهای تحقیق	نماد متغیر	میان	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
تمرکز مالکیت سهامداران	OWNER CONC_	۰/۷۰۳	۰/۶۲۰	۰/۱۷۱۲۶	۰/۱۲۱	۰/۹۹۱
حق الزحمه حسابرسی	LNFEES	۴۵۰/۹۶	۱۸۲۴	۰/۱۹۵۸۸	۷۰	۴۰۷۲
اهرم مالی	LEV	۰/۶۵۳	۰/۴۰۲	۰/۱۷۲۳۳	۰/۱۲۶	۱/۰۴
نسبت موجودی و حساب دریافتی به کل دارایی ها	INVEREC	۰/۴۵۶	۰/۴۶۰	۰/۱۷۵۴۰	۰/۰۵۳	۰/۹۰۳
بازده دارایی ها	ROA	۰/۱۲۱	۰/۳۸۲۴	۰/۸۵۵۴۶	-۰/۴۴۲	۲/۴۵۷
لگاریتم طبیعی از فروش	LNSALE	۸۷۳۱۷۹	۳۵۶۸۲	۰/۶۱۵۱۸	۵۳۳۶	۲۵۴۸۷۹۸۷
نسبت جاری	CURRATIO	۱/۱۶۱	۱/۸۴۰	۰/۳۴۶۵	۰/۱۶۹	۴/۴۱
رشد فروش	GROWTH	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۴۲۷۵	-۰/۰۸	۰/۱۵
شاخص هرفیندال-هیرشمن	HHI	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۵۰۰۷۱	۰,۰۰	۱/۰۰

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است، در بین متغیرها، بازده دارایی ها و تمرکز مالکیت سهامداران، به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقدار انحراف معیار میباشند. همچنین، بین میان و میانگین متغیرهای تمرکز مالکیت سهامداران و رشد فروش، فاصله چندانی وجود ندارد و میان و میانگین نسبت موجودی و حسابهای دریافتی به کل دارایی ها تقریباً با هم برابر است. بنابراین، با توجه به نزدیکی میان و میانگین در بیشتر متغیرها، می توان بیان کرد که متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. در جدول ۳ خلاصه آماری مدل اول ارائه شده است.

جدول ۳. خلاصه آماری مدل اول

مدل رگرسیون	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	انحراف استاندارد تخمینی	سطح معناداری	دوربین واتسون
اول	*	حق الزحمه حسابرسی	۰/۲۱۹	۰/۰۴۸	۰/۲۱۶۲۷	۰/۰۰۰	۱/۸۵۲
* پیشبینی کننده ها: مقدار ثابت، تمرکز مالکیت سهامداران، رشد فروش، بازده دارایی ها، اهرم مالی، افزایش در سرمایه، فروش، زیان، نسبت جاری، نسبت موجودی و حساب های دریافتی به کل دارایی ها							

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق، از آنجا که سطح معنی داری به دست آمده کمتر از سطح معناداری ۵ درصد می باشد، پس فرض صفر مبنی بر عدم تأثیر منفی و معنی دار تمرکز مالکیت سهامداران بر حق الزحمه حسابرسی رد می شود. بنابراین، با توجه به ضریب همبستگی ۰/۲۱۹، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تمرکز مالکیت سهامداران، تأثیر منفی و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. ضریب تعیین نیز برابر با ۰/۰۴۸ می باشد، بدین معنی که متغیر مستقل یعنی تمرکز مالکیت سهامداران، ۰/۰۴۸ از تغییرات در متغیر وابسته یعنی حق الزحمه حسابرسی را توضیح می دهد.

برای بررسی استقلال اجزای خطا در مدل، از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. اگر مقدار این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، می توان نتیجه گرفت اجزای خطا در مدل، همبستگی معناداری با هم نداشته و رفتاری مستقل از هم دارند. در این تحقیق، آماره دوربین واتسون با مقدار ۱/۸۵۲، مستقل بودن اجزای خطا را تأیید می کند.

جدول ۴ مربوط به خطی و معناداری مدل رگرسیون می باشد. برای این منظور از آزمون فیشر استفاده شده است. در صورتی که سطح معنی داری آماره F کمتر از ۰/۰۵ باشد، مدل معنی دار بوده و بین متغیرهای مستقل و وابسته رابطه خطی وجود دارد.

جدول ۴. آزمون F

معادله رگرسیون	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۰/۸۲۷	۵	۰/۲۰۷	۴/۴۲۰	* ۰/۰۰۰
باقیماندهها	۱۶/۳۷۱	۵۱۰	۰/۰۴۷		
کل	۱۷/۱۹۸	۵۱۵			
* پیشبینیکنندهها: مقدار ثابت، تمرکز مالکیت سهامداران، رشد فروش، بازده دارایی ها، اهرم مالی، افزایش در سرمایه، فروش، زیان، نسبت جاری، نسبت موجودی و حساب های دریافتنی به کل دارایی					

همانطور که در جدول ۴ مشخص می باشد، با توجه به اینکه مقدار معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، مدل رگرسیون معنادار بوده و بین متغیرهای مستقل و وابسته، رابطه خطی وجود دارد. در کل، مدل قابل ارایه می باشد.

جدول ۵ مربوط به معناداری ضرایب رگرسیون می باشد. برای این منظور از آزمون t استفاده شده است. در صورتی که سطح معنی داری آماره t کمتر از ۰/۰۵ باشد، نشاندهنده معنی دار بودن ضرایب مورد نظر است.

جدول ۵. آزمون t

سطح معنی داری	آماره t	ضریب استاندارد	ضرایب استاندارد نشده		متغیر وابسته: حق الزحمه حساسیتی
		بتا	انحراف استاندارد	ضریب متغیرها	مدل رگرسیون خطی چندمتغیره
۰/۰۰۰	۷/۱۴۷		۰/۱۲۶	۰/۸۹۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۵/۸۲۶	-۰/۲۱۰	۰/۰۱۴	-۰/۰۸۳	تمرکز مالکیت سهامداران
۰/۰۰۳	۰/۸۱۸	۰/۰۴۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	اهرم مالی
۰/۰۰۶	-۰/۳۷۶۹	-۰/۱۵۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	اندازه موسسه حساسیتی
۰/۰۴۲	۰/۱۸۱	۰/۰۱۰	۰/۰۵۹	۰/۰۱۱	بازده دارایی ها
۰/۰۰۲	-۵/۰۲۴	-۰/۲۴۰	۰/۰۱۶	-۰/۰۲۳	افزایش در سرمایه
۰/۰۳۴	۰/۶۱۸	۰/۰۳۴	۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	زبان
۰/۰۰۹	-۲/۶۵۲	-۰/۱۴۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۵	لگاریتم طبیعی از فروش
۰/۰۰۰	۰/۱۹۴	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴	۰/۰۱۸	نسبت جاری
۰/۰۰۲	۰/۱۹۴	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴	۰/۰۱۸	رشد فروش
۰/۰۰۱۲	-۰/۴۲۸	-۰/۰۴۷	۰/۰۴۱	-۰/۰۲۲	نسبت موجودی و حسابهای دریافتی به کل دارایی ها

در جدول فوق، رشد فروش و نسبت جاری با ضریب ۰/۰۱۸ بیشترین تأثیر را در مدل بر متغیر وابسته دارند، و از آنجا که سطح معناداری تمامی ضرایب، کمتر از ۰/۰۵ میباشد، بنابراین فرض صفر آزمون t مبنی بر صفر بودن ضرایب مدل، رد شده و تمامی ضرایب، معنی دار و مخالف صفر میباشند. در نتیجه، معادله نهایی مدل اول تحقیق به صورت زیر میباشد:

$$\text{LNFEET} = 0/897 - 0/083 \text{OWNER_CONCt} - 0/005 \text{LNSALESt} + 0/016 \text{LEVt} \\ - 0/022 \text{INVREct} - 0/018 \text{GROWThT} + 0/011 \text{ROAt} - 0/023 \text{INCPICt} + \\ 0/013 \text{LOSSt} + 0/018 \text{CURRATIOt} - 0/003 \text{SIZEt}$$

در جدولهای ۶ و ۷، نتایج آزمونهای آماری انجام شده بر روی مدل دوم ارائه گردیده است.

جدول ۶. آزمونهای آماری مدل دوم

متغیر وابسته: اندازه موسسه حسابرسی		ضریب تعیین pzودو			آزمون آمیبوس		آزمون نیکویی برازش هاسمر و لمشو	
مدل رگرسیون لجستیک چندمتغیره		مکفادن	نگلکرک	کاکس و اسنیل	کای اسکوتر	سطح معنی داری	کای اسکوتر	سطح معنی داری
		۰/۱۷۴	۰/۲۸۶	۰/۲۱۴	۸۳/۱۷۷	۰/۰۰۰	۷/۷۸۱	۰/۴۵۵

از آماره های ضریب تعیین pzودو یعنی کاکس و اسنیل، نگلکرک و مک فادن که میبایست بین صفر و یک باشند، به این منظور استفاده میشود تا مشخص شود متغیر مستقل، تا چه حد توانسته است میزان واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. با توجه به نتایج بدست آمده، مقدار ضرایب تعیین مکفادن، نگلکرک و کاکس و اسنیل بدست آمده به ترتیب ۰/۱۷۴، ۰/۲۸۶ و ۰/۲۱۴ میباشد و بیانگر این است که متغیر مستقل، از قدرت تبیین قابل قبولی برخوردار است.

برای بررسی اینکه مدل تا چه حد قدرت تبیین و کارایی دارد، از آزمون آمیبوس استفاده میشود. برای اینکه فرض صفر مبنی بر نداشتن قدرت تبیین و کارایی مدل رد شود، میبایست سطح معنی داری مربوط به آماره آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد. بنابراین، با توجه به نتایج حاصل از آزمون آمیبوس، چون سطح معنی داری برابر صفر و کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد شده و نتیجه میگیریم که مدل از قدرت تبیین و کارایی قابل قبولی برخوردار است.

برای تطابق داده ها با مدل، از آزمون نیکویی برازش هاسمر و لمشو استفاده میشود. اگر مقدار معنی داری مربوط به آماره آزمون، بیشتر از ۰/۰۵ باشد، نشاندهنده نیکویی برازش مدل است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول فوق، سطح معنی داری این آزمون برابر ۰/۴۵۵ و بزرگتر از ۰/۰۵ (نقطه برش برازندگی مدل) میباشد. بنابراین، تطابق موارد مشاهده شده و منتظره، برای هر دو فاکتور تمرکز مالکیت سهامداران و اندازه موسسه حسابرسی وجود دارد و فرض صفر مبنی بر تطابق نداشتن رد میشود. به عبارت دیگر، برازش مدل قابل قبول میباشد.

جدول ۷. آزمون والد و نسبت شانس

متغیر وابسته: اندازهٔ موسسهٔ حسابرسی	متغیرها	ضرایب	آزمون والد	سطح معنی داری	نسبت شانس
مدل رگرسیون لجستیک چند متغیره	مقدار ثابت	۱/۲۷۳	۰/۹۶۹	۰/۳۲۵	۳/۵۷۰
	تمرکز مالکیت سهامداران	-۲/۲۹۴	۸/۹۳۳	۰/۰۰۳	۰/۱۰۱
	بازده دارایی ها	۲/۳۴۹	۱۴/۱۷۲	۰/۰۰۰	۱۰/۴۷۷
	اهرم مالی	-۰/۸۹۱	۲۱/۰۹۷	۰/۰۰۰	۰/۴۱۰
	زیان	۰/۰۶۰	۰/۱۰۷	۰/۷۴۴	۱/۰۶۱
	افزایش در سرمایه	۳/۶۸۷	۹/۷۰۸	۰/۰۰۲	۳۹/۹۱۵

برای تعیین میزان تأثیر هر متغیر بر متغیر وابسته، از آمارهٔ نسبت شانس استفاده میشود که هرگاه نسبت شانس بزرگتر از عدد یک باشد، تغییر متغیرهای مورد نظر و متغیر وابسته مثبت و همجهت، و اگر کوچکتر از عدد یک باشد، این تغییر منفی و در جهت خلاف هم میباشد. با توجه به اینکه مقدار آمارهٔ نسبت شانس برای متغیر تمرکز مالکیت سهامداران برابر ۰/۱۰۱ بوده و این عدد کوچکتر از یک میباشد، بنابراین، می توان نتیجه گرفت که یک واحد افزایش در تمرکز مالکیت، باعث کاهش در اندازهٔ موسسهٔ حسابرسی به میزان ۱۰ درصد خواهد شد. همچنین، متغیرهای افزایش سرمایه و بازده دارایی ها بهترتیب دارای بیشترین ضریب شانس در مدل هستند، به این معنی که تغییرات در این دو متغیر، بیشترین شانس را برای تغییر در اندازهٔ موسسهٔ حسابرسی خواهند داشت. برای پی بردن به معناداری اثر هر متغیر بر متغیر وابسته از آمارهٔ والد استفاده میکنیم، و چنانچه مقدار این آماره برای هر متغیر در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی دار باشد، در آن صورت نتیجه میگیریم که وجود آن متغیر در مدل مفید و اثر آن معنی دار بوده و فرضیهٔ صفر، مبنی بر صفر بودن ضریب متغیر مورد آزمون، پذیرفته نمیشود.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون والد برای آزمون فرضیهٔ دوم، سطح معنی داری این آماره برای متغیر مستقل (تمرکز مالکیت سهامداران) برابر با ۰/۰۰۳ و کمتر از ۰/۰۵ بوده و نشان دهندهٔ این است که فرض صفر مبنی بر بی اثر بودن و صفر بودن ضریب متغیر مستقل رد میشود. با توجه به نتایج، چون سطح معنی داری همهٔ متغیرها به غیر از زیان، کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، همهٔ معنی دارها وارد مدل میشوند و فرض صفر مبنی عدم تأثیر منفی و معنی دار بین تمرکز مالکیت سهامداران و اندازهٔ موسسهٔ حسابرسی رد شده و با توجه به علامت ضریب، فرضیهٔ دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید میشود. بنابراین، تمرکز مالکیت سهامداران تأثیر منفی و معنی دار بر اندازهٔ موسسهٔ حسابرسی

دارد. در نهایت، مدل بهینه فرضیه دوم به صورت زیر می باشد:

$$SIZE_t = 273/1 \ 294/2-OWNER_CONC_t \ 891/0-LEV_t \ 687/3 + INCPICT + 349/2ROAt$$

نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که تمرکز مالکیت سهامداران، تأثیر منفی و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. هزینه های نمایندگی، در شرکت هایی که تمرکز مالکیت سهامداران در آنها بیشتر است، به خاطر همسویی اهداف مدیر و سهامداران، پایینتر می باشد. از طرفی هرچه هزینه های نمایندگی پایین تر باشد، ریسک، حجم و پیچیدگی عملیات صاحبکار و نیاز به نیروی ماهرتر و باتجربه تر برای انجام حسابرسی نیز کاهش می یابد. در نتیجه، شرکت های حسابرسی، حق الزحمه کمتری درخواست میکنند. با این پشتوانه، می توان نتایج فرضیه اول را اینگونه تحلیل نمود که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، چون نظارت و کنترل آنها در شرکت بیشتر میشود، در نتیجه تضاد منافع ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت کاهش یافته و به دنبال آن، هزینه های نمایندگی نیز کاهش می یابد. با کاهش هزینه های نمایندگی، ریسک، حجم و پیچیدگی کار حسابرسی کاهش یافته و در نتیجه، حق الزحمه حسابرسی نیز کاهش می یابد. پس هرچه تمرکز مالکیت سهامداران بیشتر شود، هزینه های نمایندگی کاهش یافته و به دنبال آن، حق الزحمه حسابرسی نیز کاهش می یابد. نتایج این تحقیق با تحقیقات صورت گرفته توسط رجبی و محمدی خشویی (۱۳۸۷)، فان و وانگ (۲۰۰۵)، رحمانخان و همکاران (۲۰۱۱) و هوپ و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت داشته و با تحقیقات صورت گرفته توسط علویطبری و همکاران (۱۳۹۰) و هی و همکاران (۲۰۰۸) مغایرت دارد.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم نشان میدهد که تمرکز مالکیت سهامداران، تأثیر منفی و معناداری بر اندازه موسسه حسابرسی دارد. سازمان حسابرسی، به دلیل کارکنان زیاد و قدمت بیشتر توانسته است بهمد کیفیت بالای سطح کار حرفه ای، نقش مؤسسه حسابرسی بزرگ را در ایران ایفا کند. با توجه به تحقیقات انجام شده، موسسه های حسابرسی بزرگتر، به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمون های مختلف، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتری ارائه میکنند. بنابراین، می توان نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم را اینگونه تحلیل نمود که با افزایش تمرکز مالکیت سهامداران، نظارت و کنترل آنها بیشتر میشود، در نتیجه، تضاد منافع ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت کاهش یافته و به دنبال آن، هزینه های نمایندگی نیز کاهش می یابد. با کاهش هزینه های نمایندگی، ریسک، حجم و پیچیدگی کار حسابرسی و نیاز به نیروی انسانی ماهرتر و باتجربه تر برای انجام حسابرسی کاهش می یابد. در نتیجه، تمایل سهامداران به استفاده از خدمات موسسه های حسابرسی بزرگتر نیز کاهش می یابد. پس هرچه تمرکز مالکیت سهامداران شرکت بیشتر شود، هزینه های نمایندگی کاهش یافته و در نتیجه، احتمال انتخاب سازمان حسابرسی توسط

شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز کاهش می یابد. نتایج این تحقیق با تحقیقات انجام گرفته توسط نیسکانن و همکاران (۲۰۰۹)، فان و وانگ (۲۰۰۵)، لین و همکاران (۲۰۰۹) و هوپ و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت داشته و با تحقیقات مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) مغایرت دارد.

پیشنهادهای تحقیق

پیشنهادهای مبتنی بر نتایج تحقیق

همانگونه که از نتایج تحقیق مشخص است، یکی از عوامل کاهش هزینه های نمایندگی، خود سهامداران هستند که می توانند با افزایش کنترل و نظارت خود، منجر به تحقق این امر شوند. لذا، به سهامداران خصوصاً سهامداران عمده شرکتها پیشنهاد میشود که با نظارت دقیق بر عملکرد مدیر، باعث کاهش هزینه های نمایندگی شوند. از طرفی، از آنجا که با افزایش سهم مالکیت مدیر، انگیزه وی برای حفاظت از منافع شرکت بیشتر میشود، پیشنهاد میشود که با افزایش درصد مالکیت مدیر و نیز اعطای دیگر مزایا به وی، از افزایش هزینه های نمایندگی جلوگیری شود. بدیهی است که با انجام این اقدامات و شناخت سایر عوامل اثرگذار بر حق الزحمه حساسیتی و کنترل آن عوامل توسط سهامداران، می توان با پرداخت هزینه های کمتر، اقدام به حساسیتی در شرکت نمود. نهایتاً، با توجه به اینکه با افزایش تعارضات نمایندگی، میزان تقاضا برای کیفیت خدمات حساسیتی و اعتباردهی به اطلاعات افشا شده افزایش مییابد، لذا، به سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفادهکنندگان از صورتهای مالی شرکتهایی که دارای رابطه نمایندگی هستند، پیشنهاد میشود که در تصمیم گیریهای خود، به کیفیت مؤسسه های حساسیتی که شرکتها را مورد بررسی قرار میدهند، توجه کنند.

پیشنهادهایی برای تحقیقهای آتی

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهاد میشود در تحقیقهای آینده، تأثیر مالکیت خانوادگی، مالکیت مدیریتی، میزان تجربه، عملکرد و سطح تحصیلات مدیران نیز بر تقاضا برای خدمات حساسیتی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در این تحقیق، هزینه های نمایندگی از طریق تمرکز مالکیت سهامداران مورد بررسی قرار گرفته است؛ لذا پیشنهاد میشود که هزینه های نمایندگی را از طریق فاکتورهای دیگری نظیر: جریانهای نقد آزاد، نسبت گردش داراییها و فرصتهای رشد نیز مورد بررسی قرار گیرد.

پی نوشت ها

1. Agency Costs
2. Information Asymmetry
3. Conflicts of Interest
4. Audit Fees
5. Audit Firm Size
6. Concentrated Ownership
7. Dispersed Ownership
8. Financial Leverage
9. Return on Assets
10. Current Ratio

منابع و مآخذ

- ۱- آذر، عادل و منصور مومنی. (۱۳۸۳). آمار و کاربرد آن در مدیریت. جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- حساس یگانه، یحیی و محمد مرفوع. (۱۳۸۷). "ناکامی ساختارهای حاکمیت شرکتی لزوم تجدید نظر در ساختار حسابداری و حسابداری". حسابدار، ۲۲ (۱۹۵): ۶۲-۷۶.
- ۳- خدادادی، ولی و سعید حاجیزاده. (۱۳۹۰). "تئوری نمایندگی و حق الزحمه حسابداری مستقل: آزمون فرضیه جریانهای نقد آزاد". پژوهشهای تجربی حسابداری مالی، ۱ (۲): ۷۲-۹۲.
- ۴- رجبی، روحالله و حمزه محمدی خشوئی. (۱۳۸۷). "هزینه های نمایندگی و قیمتگذاری خدمات حسابداری مستقل". بررسیهای حسابداری و حسابداری، ۱۵ (۵۳): ۳۵-۵۲.
- ۵- علوی طبری، سیدحسین؛ رجبی، روحالله و منصوره شهبازی. (۱۳۹۰). "رابطه ی نظام راهبری و حق الزحمه حسابداری مستقل شرکتها". دانش حسابداری، ۲ (۵): ۷۵-۱۰۱.
- ۶- علوی طبری، سیدحسین؛ رباط میلی، مؤگان و فرزانه یوسفی اصل. (۱۳۹۱). "مسئله نمایندگی و قیمتگذاری خدمات حسابداری مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریانهای نقدی آزاد". بررسیهای حسابداری و حسابداری، ۱۹ (۲): ۹۷-۱۲۲.
- ۷- فضلزاده، علیرضا؛ محمدزاده، پرویز و علی طهباز هندی. (۱۳۸۸). "بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تفکیک صنعت". فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲ (۷): ۳۳-۵.
- ۸- مهدوی، غلامحسین؛ منفرد مهارلوئی، محمد و فهیمه ابراهیمی. (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر نظام راهبردی شرکتی بر اندازه مؤسسه حسابداری منتخب شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴ (۱۳): ۱۳۵-۱۵۵.
- ۹- ولیپور، هاشم و علی خرم. (۱۳۹۰). "اثربخشی ساز و کارهای نظام راهبری شرکت به منظور کاهش هزینه های نمایندگی". حسابداری مدیریت، ۴ (۸): ۶۱-۷۵.

- 1- Ashbaugh, H. & Warfield, T. D. (2003). "Audits as a Corporate Governance Mechanism: Evidence from the German Market". *Journal of International Accounting Research*, 2 (1): 1-21.
- 2- DeAngelo, L. E. (1981). "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*, 3 (3): 183-199.

- 3- Fan, J. P. H. & Wong, T. J. (2005). "Do External Auditors Perform a Corporate Governance Role in Emerging Markets? Evidence from East Asia". *Journal of Accounting Research*, 43 (1): 35-72.
- 4- Hay, D. C. & Knechel, W. R. & Ling, H. (2008). "Evidence on the impact of internal control and corporate governance on audit fees". *International Journal of Auditing*, 12 (1): 9-24.
- 5- Hope, O. & Langli, J. C. & Thomas, W. B. (2012). "Agency conflicts and auditing in private firms". *Accounting, Organizations and Society*, 37 (7): 500-517.
- 6- Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure". *Journal of Financial Economics*, 3 (4): 305-360.
- 7- Kouki, M. & Guizani, M. (2009). "ownership structure and dividend policy: Evivence from the Tunisian stock market". *European journal of Scientific Research*, 25 (1): 42-53.
- 8- Lin, Z. J. & Liu, M. (2009). "The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 18 (1): 44-59.
- 9- Niskanen, M. & Karjalainen, J. & Niskanen, J. (2009). "Demand for Audit Quality in Small PrivateFirms: Evidence on Ownership Effects". Available at: <http://ssrn.com/abstract=1324599>.
- 10- Rahman Khan, A. & Mahboob Hossain, D. & Siddiqui, j. (2011). "Corporate Ownership Concentration and Audit Fees: The Case of An Emerging Economy". *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Account*, 27 (1): 125-131
- 11- Whisenant, S. & Sankaraguruswamy, S. & Raghunandan, K. (2003). "Evidence on the joint determination of audit and non-audit fees". *Journal of Accounting Research*, 41 (4): 721-744.